

## اخبار

### مشکل بی‌جایی انجمن نویسندگان پس از ۲۱ سال



در جشن سالگرد تأسیس انجمن نویسندگان کودک و نوجوان بار دیگر موضوع بی‌جایی این تشکل غیردولتی مورد تأکید دست‌اندر کاران آن قرار گرفت.

به گزارش ایسنا، جشن بیست و یکمین سالگرد تأسیس انجمن نویسندگان کودک و نوجوان همراه با نکوداشت جعفر ابراهیمی، شاعر و نویسنده کودکان و نوجوانان و شب یلدا با تأخیری چندروزه سه‌شنبه (۱۱ دی‌ماه) برگزار شد. در این مراسم فریدون عموزاده خلیلی –رئیس هیئت‌مدیره این تشکل غیردولتی –اظهار کرد: ما ۲۰ سال است که در این فضا بودهایم، اما ممکن است هر لحظه از شهرداری بایاند و بخواهند این‌جا را بگیرند، این در حالی است که شهرداری باید نهادهای مدنی را تقویت کند؛ نهادی که طی ۲۱ سال گذشته بانی جشنواره‌های مختلفی بوده است و امروز به خود می‌بالد که توانسته نکوداشت مرد دیگری از این دیار را برگزار کند.

او سپس خاطرنشان کرد: از این که ناچار شدیم در جای کوچکی مانند انجمن نویسندگان کودک و نوجوان نکوداشت فردی همچون جعفر ابراهیمی را برگزار کنیم هم خوشحال هستیم و هم اندوهگین؛ چرا برای چنین افرادی در چنین فضاهایی نکوداشت برگزار شود؟ با این حال این افراد با سادگی و صداقت خود آمده‌اند تا مراسم جشن و تقدیری را برای شما که سایه‌تان هال‌است بر سر کودکان این مرز و بوم است، داشته باشند.

در ادامه مراسم الهام فخاری – عضو شورای اسلامی شهر تهران – گفت: یکی از برنامه‌هایی که ما مرصداً تأمین آن هستیم، راه‌اندازی «خانه کودک ایران» در شهرهای دوستدار کودک است. می‌توان برای این منظور برخی از خانه‌های میراث فرهنگی را مد نظر قرار داد. البته این فعلا یک ایده شخصی است اما می‌توان روی آن کار کرد.

او افزود: بزرگداشت شخصی همچون جعفر ابراهیمی را می‌توان در پنج نقطه شهر تهران با توجه به این که او از نویسندگان مطرح این شهر است، در پارک‌ها و فرهنگسرا اجرا کرد. اگر قرار است کسی به داد تهران برسد بچه‌ها و دوستداران آن‌ها هستند و این برنامه می‌تواند به صورت فصلی اجرا شود.

سپس اسدالله شعبانی –شاعر کودکان و نوجوانان– در این مراسم اظهار کرد: امروز سالگرد میلاد مسیح (ع) است و ما این روز را به همه مردم دنیا شادباش می‌گوییم، من به شدت مخالف نگاه تفکیکی و تبعیض‌گرای در جامعه هستم. باید به دور از جنگ و در کمال صلح برای شادی همه مردم در همه نقاط جهان آرزو کرد. او درباره جعفر ابراهیمی نیز گفت: من و جعفر ۲۵ سال تمام با هم بودیم و خیلی از کارها و ارزش‌های‌مان مشابه‌همدیگر است. ما برای ساختن دنیای رنگارنگ تلاش کرده‌ایم. سلوک روحی ابراهیمی موضوعی است که می‌تواند الگو باشد. جعفر ابراهیمی فردی است که خود خود خودش است. بسیاری از مصلحتی به دنیا نگاه می‌کنند و اصرار دارند پیراهن امپراتور را نگه دارند، اما او همیشه خودش بوده است و این موضوعی قابل تقدیر است. شعبانی افزود: ابراهیمی را می‌توان با کارهایش شناخت. او قانع، ساده و راحت است و حس عاطفی شدید را می‌توان در آثار او دید؛ اگرچه نقاط ضعفی هم دارد. از جمله وقتی واژه کم می‌آورد یک شادمانه وسط کارهایش قرار می‌دهد و همچنین از ضمیر «من» استفاده زیادی می‌کند. به هر حال او شاعری است که شعرهای زیادی را سروده و همه شعرهایش دلنشین است. جعفر ابراهیمی هم در این مراسم گفت: ۲۱ سال از تأسیس انجمن نویسندگان کودک و نوجوان گذشت. نسل ما که شروع‌کننده ادبیات کودک و نوجوان بود امروز رو به پیری است، اما بعد از ۲۱ سال تلاش این انجمن، افرادی همچون من و انجمن ما همچنان زنده‌اند. جایگاه ادبیاتی که ما داشته‌ایم، رویای من و هم‌سایرمان این است که روزی کسی خواهد آمد که همه چیز را درست می‌کند، همان طوطی که فروغ فرخزاد می‌گفت.

این شاعر تأکید کرد: آن‌شاهلله در سال‌های آتی خبرهای خوبی پیش روی انجمن باشد و جایی داشته باشد که بتواند بر آن تابلویی نصب کند که همگان بتوانند آن را ببینند. در پایان این مراسم جوایزی به این شاعر و نویسنده کودک و نوجوان اهدا شد.

### ثابت ماندن قیمت صنایع‌دستی با حذف دلانان



رئیس اداره میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری اسفراین گفت: روستای روبین سالانه ۱۵۰ هزار متر مربع تولیدات نساجی دارد. «محمد محمدی» در گفت‌وگو با خبرنگار ایسنا، با اشاره به این‌که روستای روبین در اسفراین یکی از مناطق هدف گردشگری در خراسان‌شمالی است که به لحاظ تولیدات دست‌بافت‌ها به‌عنوان دهکده نساجی در این نام قرار گرفته است، اظهار کرد: ۴۵۰ هنرمند در حوزه نساجی در روستای روبین فعالیت می‌کنند که سالانه ۱۵۰هزار مترمربع تولید دارند. وی افزود: امسال ۵ میلیارد ریال تسهیلات با نرخ ۶ به ۲۵ نفر از هنرمندان نساجی پرداخت شده است تا بتوانند در کنار خود افرادی را بکار گرفته و درآمزدایی کنند. رئیس اداره میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری اسفراین با اشاره به این‌که حذف واسطه‌ها در فروش محصولات نساجی به عدم افزایش نرخ تولیدات و ثبات قیمت‌ها منجر شده است گفت: راه‌اندازی بازارچه‌های توریزی از اقداماتی است که توسط سازمان میراث فرهنگی صورت گرفته در این ایام بازارچه‌ها رونق بیشتری پیدا می‌کنند. محمدی ادامه داد: هر خانه در این دهکده حکم یک مرکز فروش صنایع‌دستی سنتی و محصولات خانگی را دارد که پیگیر ایجاد یک بازارچه صنایع‌دستی در این روستا هستیم.

وی با بیان این‌که یکی از مشکلات موجود در حوزه نساجی طی چند سال گذشته، محدود شدن تولیدات و بافت‌های چادر شب و حوله بود، یادآور شد: با اقدامات صورت گرفته و با توجه به کاربرد پارچه‌های سنتی در پوشاک بانوان و تغییر کاربری و نفوذ سنت‌ها به تزئینات منازل این ضعف برطرف شده و نساجان روبین به تولید پارچه‌های متنوع ورود پیدا کرده‌اند.

#### معرفی هیات انتخاب جشنواره می نتاثر دانشگاهی

ستاد برگزاری بیست و دومین جشنواره بین المللی نتاثر دانشگاهی ایران اسامی هیات ارزیابی و انتخاب مرحله اول این دوره از جشنواره را اعلام کرد.
به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی بیست و دومین جشنواره بین المللی نتاثر دانشگاهی ایران، ستاد برگزاری بیست و دومین جشنواره بین المللی نتاثر دانشگاهی ایران اسامی هیات ارزیابی و انتخاب مرحله اول آثار شرکت‌کننده در این دوره از جشنواره را اعلام کرد. سوکل قلاتیان ، مهدی مشهور، باقر سروش، سیاوش قاتندی و سعدی محمدی عبد هنرمندانی هستند که کار ارزیابی و انتخاب مرحله اول بیست و دومین جشنواره بین المللی نتاثر دانشگاهی ایران را به عهده دارند.

نمایش بینویایان با تمام توانمندی بازیگرانش در فرم اما به نظر می‌رسد نتوانست در اجرای دیالوگ موزیکال توفیق چنددانی کسب کند.

به گزارش خبرنگار ایرنا، بعد از تحمل ترافیک و شلوغی پیش از اجرای نمایش «بینویایان» در خیابان‌های سعادت آباد تهران با راهنمایی‌های مأموران اطراف هتل «اسپیناس پالاس» به سالن رویال هال می‌رسید و پا به سالنی می‌گذارید که صحنای کاملاً چوبی را به نمایش گذاشته است که در نگاه اول تصویر یک کشتی را در ذهن مخاطب تداعی می‌کند.

صحنای سه طبقه که در هر بخش از اجرای نمایش با جابه‌جایی برخی از دکورها یا باز و بسته کردن درب‌های کوچک چوبی به فضایی جدید تبدیل می‌شود.

همچنین از سطح صحنه تا بالای آن از دو طرف پله‌هایی دیده می‌شود که اگر آنها را دنبال کنید به طبقه‌ای از صحنه می‌رسید که کاملاً در اختیار گروه موسیقی ۱۵۰ نفره نمایش موزیکال قرار گرفته است.بازیگران هم در طول نمایش از آن استفاده می‌کنند. سالن رویال هال با تجهیزات، امکانات و فضایی که برای هنرمندان و مخاطبان فراهم کرده این روزها می‌تواند جای خالی سالن‌های مجهز و ایمن نتاثری را پر کند و مخاطب را در آرامش و رفاه به تماشای نمایشی ۱۲۰ دقیقه‌ای بنشاند.

حسین پارسایی کارگردان این نمایش از تمامی امکانات موجود در سالن رویال هال بهره برده است و حتی دیوار روبه‌روی مخاطبان را با ای سی دی‌هایی پوشانده که در وهله اول صحنهای از بندر را به نمایش می‌گذارد و با صدای آکوستیک شده موج‌های دریا فضایی آماده آغاز نمایش در این مکان ایجاد کرده است. نمایش راس ساعت هشت با حضور بردیا کیارس به عنوان رهبر ارکستر در میان تشویق حضار آغاز می‌شود و این هنرمند از همان صحنه نخستین کار خود را شروع می‌کند و در طول نمایش بار ۱۲۰ دقیقه اجرا را به دوش می‌کشد.

پارسا پیروزفر در نقش ژان ولژان و لایس زندانیان به صحنه می‌آید و نامه خود را مبنی بر آزادی مشروط از نوید محمد زاده در نقش بازرس ژاور دریافت می‌کند.

این صحنه آغازین نمایش بینویایان است نمایشی موزیکال تنها چند صحنه بدون اجرای موسیقی در خود جای داده است.نمایش بر است از زرق و برق، نور، حرکت و بازیگر. ای سی دی‌ها برای فضاسازی بهتر صحنه‌های را به صورت انیمیشن از شهر یا فضایی که اجرا در آن قرار دارد به نمایش می‌گذارد که با بازی هنرمندانه برخی از بازیگران که ایفای شخصیت‌های اصلی نمایش بینویایان را برعهده دارند تکمیل می‌شود.

تمامی این موارد از نقاط مثبت نمایش محسوب می‌شود که بیشتر به استفاده هوشمندانه کارگردان از امکانات مربوط می‌شود اما مشکل از آنجایی شروع می‌شود که مخاطب در برابر فضایی خسته‌کننده و تکراری از آوازهایی‌گاه نامفهوم قرار می‌گیرد. متن نمایش تماماً به نظم است که در بیشتر مواقع شعر برای مخاطبی که تنها ناتیهای فرصت شنیدن دارد، قابل فهم نیست

همان بازی تکراری را تنها با دیالوگی متفاوت در این اجرا به نمایش می‌گذارد.

البته نباید فراموش کنیم کودکی خردسال اما توانمند را بر صحنه نتاثر می‌بینیم و این‌انتخاب بازیگران شایسته اقدامی است که کارگردان از آن بهره‌برداری کرده تا بتواند ضعف‌های فراوان نمایش را در جزئیات بپوشاند؛ بازیگرانی همچون هوتن شکیبا، سحر دولت‌شاهی و پارسا پیروزفر که همانند همیشه از پس اجرای کم نظیر بر آمده‌اند و نمایش را از واژه سیخف دور کرده‌اند. اما در این میان بودند بازیگرانی چهره‌ای که به دلیل نداشتن توانایی در زمینه آواز به تضعیف نمایش کمک کردند.

# بینویایانی جذاب با موزیکالیته نجسب

همان بازی تکراری را تنها با دیالوگی متفاوت در این اجرا به نمایش می‌گذارد.



و از سوی دیگر آزار دهنده است زیرا مخاطب مدام باید چشم بگرداند و بسته به اینکه علاقه به کدام شخصیت دارد از هر گوشه

صحنه اتفاقی را دنبال کند؛مساله مهم‌تر اینجاست که در برخی از صحنه ها دو گروه از بازیگران اشعار خود را هم‌زمان می‌خوانند که این همخوانی دو متن متفاوت باعث می‌شودمخاطب متوجه هیچ کدام از اشعار نشده و حتی گاهی در موقعیت‌هایی سردرگم نیز بشود؛ در حالی که هیچ لزومی برای این نوع همخوانی‌ها و صحنه آرایه‌ها دیده نمی‌شود.

تلاش کارگردان برای استفاده از دیالوگهای طنز و وجود نقش‌های پرداخت نشده و گاه بچه‌گانه این سوال پیش می‌آورد که آیا انتخاب مخاطب بزرگسال برای این نمایش انتخابی مناسب بوده است یا خیر؟

نمایش بر است از صحنه‌های شلوغ و پر بازیگری که هیچ کمکی به پیشبرد داستان اصلی نمی‌کنند و حتی اگر پیش از این اجرای نمایش موزیکال لیورنوئیست به کارگردانی پارسایی را دیده باشید متوجه خواهید شد که محمد شاکری کودک خردسال نمایش،

صحنه پر از حرکت است از سویی این تحرک صحنه جذاب

یا بدتر از آن حتی وزنی هم در آن احساس نمی‌شود و در برخی موارد این رعایت نشدن وزن در اشعار ذوق مخاطب را کور می‌کند. اجرای منظوم در قسمت‌هایی از نمایش تناسب میان موقعیت‌ها را به هم می‌زند؛ به عنوان مثال در صحنه‌های پایانی نمایش که ژان ولژان در انتظار مرگ ننشسته است نوع خواندن شعرها موقعیتی حتی مضحک را رقم می‌زند.

داستان کوتاه و گسسته روایت می‌شود به طوری که اگر تماشاگری داستان بینویایان را نخوانده یا آن را بعد از سال‌ها به فراموشی سپرده باشد به سختی می‌تواند با شخصیت‌ها آشنایی پیدا کرده، واقعبیت داستان را دریابد یا آنها را در ذهن بازیابی کند.

زمان ۱۲۰ دقیقه‌ای برای روایت کامل داستان بینویایان کافی نیست اما کارگردان به جای بهره‌برداری مناسب از همین زمان نیز بیشتر به شلوغی صحنه و اضافه کردن فضاهایی سرگرم‌کننده توجه نشان داده و تلاش کرده است تا با رنگ و آهنگ توجه تماشاگر را به خود جذب کند.

صحنه پر از حرکت است از سویی این تحرک صحنه جذاب

البته مقصد این سفر یکی از داغ‌ترین بخش‌های هنر هفتم در ایران یعنی گیشه‌های سینماست، هدف از این سفر همگن شده با جیب و قدرت اقتصادی ایرانیان، درنگ و نظری بر قیمت بلیت آثار سینمایی طی نیم‌قرن اخیر در ایران و تطبیق آن با تورم موجود در جامعه است؛ پنجاه سالی که به فرارخور فراز و فرودهای اقتصادی خود بارها باعث قهر و آشتی مخاطبان با سالن‌های سینما و گرم و سرد شدن گیشه آثار سینمایی شده است.

#### سلام سینما

برای جذاب‌تر شدن این سفر با این گزاره خوری از مقدمه فاصله می‌گیریم و برای سفرمان آماده می‌شویم و آن اینکه از سال ۱۳۴۵ خورشیدی که متوسط قیمت بلیت آثار سینمایی ۴۰ ریال (چهار تومان) بوده تا امروز که متوسط قیمت بلیت آثار سینمایی یکصدوسترز ریال (۱۰ هزار تومان) است، تنها در مدت پنجاه سال، شاهد رشد ۲۵۰ درصدی در قیمت بلیت آثار سینمایی در ایران بودیم… عددی چنان شگفت‌آور که به تنهایی رتبه نخست رشد قیمت یک محصول هنری (سینما به عنوان یک کالا) در جهان را به ایران اختصاص داده است.

خب حالا آماده‌اید، محکم سر جای خود بنشینید تا سفرمان را آغاز کنیم…

«جمال امید» پژوهشگر و منتقد نام‌آشنای سینمای کشورمان در کتاب تاریخ سینمای ایران آورده است: «سینما زمانی که به سرزمین ما ایران رسید، اسباب‌بازی ملوکانه‌ای در دست شاه قاجار بود و اگر سفر مظفرالدین شاه به فرنگ مصادف با نمایش «آردان لومیر» (به عنوان مختصران سینما) نمی‌شد، سینما در ایران چه سرنوشتی پیدا می‌کرد؟

مظفرالدین شاه سینما توگراف را می‌بیند و دستور خرید آن را می‌دهد و به ایران می‌آورد تا از آن به طور خصوصی استفاده کند و سینما در پس دیوارهای کاخ باقی می‌ماند. سینما را مظفرالدین شاه وارد مملکت کرده اما نه به قصد خدمت به ملتش؛ بلکه در جهت ارضای ذهن تنوع‌طلب و نوجویش؛ در سال ۱۲۸۵ خورشیدی اولین تماشاخانه در تهران با هدف اکران آثار صامت سینمایی برای طبقه اشراف تأسیس شد. اما «عبدالحسین سپنتا» «رندشیر ایرانی» اولین ایرانیایی بودند که در سال ۱۳۱۲ خورشیدی فیلم «ختر لر» را به عنوان نخستین فیلم ناطق ایرانی تولید کردند تا به وسیله آن سینما را از اسباب‌بازی ملوکانه و کالایی انحصاری برای طبقه اشراف جامعه به کالایی هنری و مردمی بدل کنند

و برای این مهم حتی مُهر عدم اجازه کار در داخل ایران را به جان خریدند و در هندوستان از پس این مهم برآمدند در حقیقت تولید و نمایش این فیلم در میادین، کوی و برزنها برای عموم مردم بود که نه تنها نمایش دوره اقبال از فیلم‌های صامت آن زمان را از رونق انداخت که به عموم مردم این اجازه را داد تا با بلیتی با قیمتی بسیار پایین از نزدیک با این هنر به عنوان کالایی عمومی آشنا شوند و به ستون اصلی حفظ هویت و استمرار تولید این هنر به عنوان مصرف‌کنندگان دائمی آن بدل شوند.

اتفاق و انقلابی که تا به امروز نیز مانند تمام نقاط جهان در ایران نیز ادامه داشته و دارد، حمایت مردم از این کالای هنری با خرید بلیت و دیگر محصولات همراه آن به چنان جایگاهی در عرصه اقتصادی کشورها بدل شده است که امروزه و با علم اقتصاد نوین، یکی

## رد پای ۵۰ ساله قیمت بلیت سینما در جاده اقتصاد هنر

از مهم‌ترین شاخصه‌های سودآوری در عرصه کلان اقتصاد هنر کشورها بی‌شک به آثار و محصولات هنر هفتم، وابسته است.

#### گیشه سینما در ایران به روایت تاریخ

جمال امید همچنین در ادامه مرور تاریخ سینمای ایران در کتابش به این مبحث اشاره کرده است: از سال ۱۳۰۰ خورشیدی یعنی سال‌های ابتدایی قرن حاضر شمسی تا حال حاضر بیش از ۱۵۰ سینما تنها در تهران تأسیس شده است. طبق آمار در دهه اول قرن حاضر شمسی ۱۰ سینما در تهران در حال فعالیت بوده و از سال ۱۳۱۰ به بعد در طول یک دهه ۱۶ سینمای جدید ساخته شده است. دهه ۱۳۲۰ جهان شاهد جنگ جهانی دوم بود که در این مدت به ساختار اقتصادی و سیاسی کشورها لطمه‌های بسیاری وارد شد. این موضوع خود یکی از دلایل اصلی رکود صنعت سینما در جهان و البته در ایران بود. در این سال‌ها تنها ۱۰ سینمای جدید در تهران افتتاح شد. در طول دو دهه ۳۰ و ۴۰ جمعاً ۱۰۴ سینمای جدید برای استفاده مخاطبان در تهران افتتاح شد که به نوعی اوج شکوفایی صنعت سینما در ایران به شمار می‌رود. نرخ تورم اقتصادی در این دو دهه بین ۱۰ تا ۱۳ درصد در نوسان بود و پیرو آن قیمت بلیت سینما بین ۱ تا ۴ تومان (۱۰ تا ۴۰ ریال) ثبت شده است.

در سال ۱۳۴۵ خورشیدی سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران تأسیس شد ولی سینما همچنان جایگاه خود را حفظ کرد و فیلم «قیصر» (مسعود کیمیایی) توانست رکورد فروش ۱۸ میلیون ریال (یک میلیون و هشتصدوهارز تومان) با قیمت بلیت ۴۰ ریال (چهار تومان) از خود به جا گذاشت. اما در سال ۱۳۵۸، درست بعد از انقلاب شوکه‌مند اسلامی و تأکید نگرش مسئولان نظام به جایگاه هنر اصیل و تکیه بر یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سینما یعنی «تأثیر این‌کالای هنری بر روند تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه» شاهد شکوه اقتصادی سینما و ورود رسمی آن به عنوان مهم‌ترین کالای موثر در رشد بهره‌وری اقتصاد هنر در کشور بودیم. در دهه ۶۰ با نمایش فیلم‌های موفقیت‌مانند «عقاب‌ها»، «دوند» و «آزاده نشین‌ها»، مسیر فیلم‌های ایرانی برای حضور در جشنواره‌های خارجی هموار شد. البته در کنار کاهش عوارض فروش فیلم ایرانی در سال ۱۳۶۳، قیمت بلیت سینماها افزایش یافت که این خود آغازی بود برای حذف سوسپید دولتی در صنعت سینمای ایران و به طبع آن افزایش سرسام‌آور قیمت بلیت‌ها که به کاهش مخاطب منتج شد. اما برای پوست انداختن سینما و تجربه ورود آن به شکل رسمی در بازار محصولات هنری و تأثیر مستقیم آن در رشد اقتصاد هنر جامعه این امری اجتناب‌ناپذیر بود.

همزمان با این اتفاق و به استناد آمار و اسناد تاریخی، رواج استفاده از فیلم‌های ویدیو کولمبا و تولید آثار یکسان از نظر داستانی و موضوعی، باعث شد سینمای ایران در طول تاریخ خود با شدیدترین ریزش مخاطب (نزدیک به ۵۰ درصد) مواجه شود. تا آنکه در سال ۱۳۷۴ مجلس شورای اسلامی قانون ممنوعیت استفاده خانگی از ماهواره را تصویب کرد و مجدداً نرخ بلیت‌های سینماها افزایش یافت. در اواخر دهه ۷۰ حضور بازیگران بول‌ساز در سینمای ایران و همچنین کاربرد زائره‌های متفاوت در کنار بالا بودن قیمت بلیت، بالاخره سینمای ایران را تکان داد. قیمت بلیت ۴۵۰ تومانی سینما در سال ۸۰ به چهار هزار تومان در سال ۸۹ رسید.

#### تعبیر متفاوت دهه ۹۰

بعد از این مسافرت نوشتاری، حال این سوال مطرح می‌شود که آیا افزایش ۲۵۰۰ درصدی نرخ بلیت سینماها در ایران از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵ (از ۴۰ ریال به یکصد هزار ریال) توانسته به همین میزان به توسعه اقتصاد این هنر در شاخص کلان اقتصاد هنر ایران منتج شود؟ صادقانه باید گفت: «پاسخ یک خیر مطلق است» اما چرا!؟

«بول‌آلودی» کارگردان و تهیه‌کننده شناخته‌شده و مدیرعامل پیشین خانه سینما در گفت‌وگو با ایرنا مهم‌ترین دلیل عدم تطبیق افزایش نرخ بلیت سینماها طی ۵۰ سال اخیر با شاخص رشد اقتصاد هنر در ایران را تغییر ماهیت تولید کالایی به نام سینما در ایران می‌داند و می‌گوید: سینما شاید کمتر از یک دهه است که در ایران از کالایی صد

همان بازی تکراری را تنها با دیالوگی متفاوت در این اجرا به نمایش می‌گذارد.

استاد برگزاری بیست و دومین جشنواره بین المللی نتاثر دانشگاهی ایران، ستاد برگزاری بیست و دومین جشنواره بین المللی نتاثر دانشگاهی ایران اسامی هیات ارزیابی و انتخاب مرحله اول این دوره از جشنواره را اعلام کرد.
به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی بیست و دومین جشنواره بین المللی نتاثر دانشگاهی ایران، ستاد برگزاری بیست و دومین جشنواره بین المللی نتاثر دانشگاهی ایران اسامی هیات ارزیابی و انتخاب مرحله اول آثار شرکت‌کننده در این دوره از جشنواره را اعلام کرد. سوکل قلاتیان ، مهدی مشهور، باقر سروش، سیاوش قاتندی و سعدی محمدی عبد هنرمندانی هستند که کار ارزیابی و انتخاب مرحله اول بیست و دومین جشنواره بین المللی نتاثر دانشگاهی ایران را به عهده دارند.

همان بازی تکراری را تنها با دیالوگی متفاوت در این اجرا به نمایش می‌گذارد.

البته نباید فراموش کنیم کودکی خردسال اما توانمند را بر صحنه نتاثر می‌بینیم و این‌انتخاب بازیگران شایسته اقدامی است که کارگردان از آن بهره‌برداری کرده تا بتواند ضعف‌های فراوان نمایش را در جزئیات بپوشاند؛ بازیگرانی همچون هوتن شکیبا، سحر دولت‌شاهی و پارسا پیروزفر که همانند همیشه از پس اجرای کم نظیر بر آمده‌اند و نمایش را از واژه سیخف دور کرده‌اند. اما در این میان بودند بازیگرانی چهره‌ای که به دلیل نداشتن توانایی در زمینه آواز به تضعیف نمایش کمک کردند.

# بینویایانی جذاب با موزیکالیته نجسب



و از سوی دیگر آزار دهنده است زیرا مخاطب مدام باید چشم بگرداند و بسته به اینکه علاقه به کدام شخصیت دارد از هر گوشه

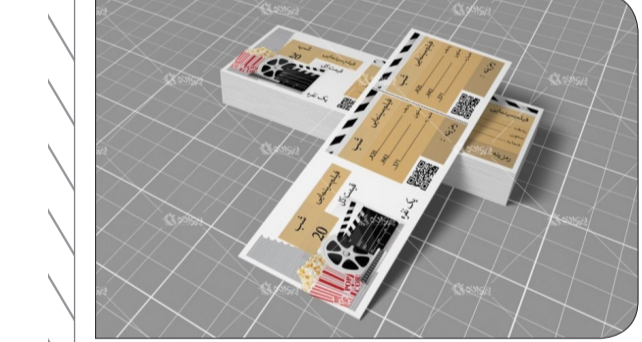
صحنه اتفاقی را دنبال کند؛مساله مهم‌تر اینجاست که در برخی از صحنه ها دو گروه از بازیگران اشعار خود را هم‌زمان می‌خوانند که این همخوانی دو متن متفاوت باعث می‌شودمخاطب متوجه هیچ کدام از اشعار نشده و حتی گاهی در موقعیت‌هایی سردرگم نیز بشود؛ در حالی که هیچ لزومی برای این نوع همخوانی‌ها و صحنه آرایه‌ها دیده نمی‌شود.

تلاش کارگردان برای استفاده از دیالوگهای طنز و وجود نقش‌های پرداخت نشده و گاه بچه‌گانه این سوال پیش می‌آورد که آیا انتخاب مخاطب بزرگسال برای این نمایش انتخابی مناسب بوده است یا خیر؟

نمایش بر است از صحنه‌های شلوغ و پر بازیگری که هیچ کمکی به پیشبرد داستان اصلی نمی‌کنند و حتی اگر پیش از این اجرای نمایش موزیکال لیورنوئیست به کارگردانی پارسایی را دیده باشید متوجه خواهید شد که محمد شاکری کودک خردسال نمایش،

صحنه پر از حرکت است از سویی این تحرک صحنه جذاب

البته مقصد این سفر یکی از داغ‌ترین بخش‌های هنر هفتم در ایران یعنی گیشه‌های سینماست، هدف از این سفر همگن شده با جیب و قدرت اقتصادی ایرانیان، درنگ و نظری بر قیمت بلیت آثار سینمایی طی نیم‌قرن اخیر در ایران و تطبیق آن با تورم موجود در جامعه است؛ پنجاه سالی که به فرارخور فراز و فرودهای اقتصادی خود بارها باعث قهر و آشتی مخاطبان با سالن‌های سینما و گرم و سرد شدن گیشه آثار سینمایی شده است.



در صد دولتی به کالایی صنعتی، تجاری و هنری با حضور سرمایه‌گذاران بخش خصوصی بدل شده است. این البته تنها یک روی سکه است؛ روی دیگر آن این است که در دهه‌های ۴۰ تا ۶۰ خورشیدی، سینما تنها و مهم‌ترین کالای هنری بود که با مساله فراغت و سرگرم‌کنندگی مردم در ارتباط بود اما امروزه کالاها و محصولات متعددی از شبکه‌های ماهواره‌ای تا شبکه نمایش خانگی برای سرگرم‌کنندگی وجود دارند. مساله بعدی آن است امروزه ریال ریال بودجه تولید اغلب آثار سینمایی توسط تهیه‌کننده بخش خصوصی تأمین می‌شود و دیگر امکانات سفر تا صدی بخش دولتی در اختیار تولیدکنندگان قرار ندارد. مسلم است که با این شیوه تولید نمی‌توان شاخص‌های رشد را با تاریخچه افزایش قیمت بلیت سینما در ایران مقایسه کرد.

کارگردان فیلم‌های چون «آندیم» و «رخ دیوانه» می‌افزاید: همچنین در این میان یکی دیگر از مهم‌ترین شاخصه‌ها موثر در رشد اقتصاد هنر در جوامع، یعنی تورم را نیز باید مدنظر داشت. چرا که حدود و نفور نرخ تورم در قرار گرفتن محصولی مانند سینما در سبد کالا‌های فرهنگی خانواده‌های ایرانی بسیار موثر است. بنا بر آمار بانک مرکزی در دولت‌های نهم و دهم که جامعه ایرانی نرخ تورم کم‌ترش از ۳۰ تا ۲۵ درصد را تجربه کردند شاهد بودیم که فروش آثار سینمایی در ایران تا ۶۰درصد کاهش داشت اما با اصلاح و اثبات نرخ تورم در چهار سال دولت یازدهم با رشد غیرقابل توصیف فروش گیشه‌های آثار سینمایی مواجه بودیم. همچنین «امیرحسین علم‌الهدی» دبیر شورای سیاستگذاری سینمای «هنر و تجربه» و کارشناس ممتاز حوزه اقتصاد هنر هفتم با تأیید صحبت‌های داوودی نیز در گفت‌وگو با ایرنا یادآور می‌شود: وقتی فیلمی مثل «عقاب‌ها» ساخته زنده‌یاد ساموئل خاچیکیان در سال ۱۳۶۴ فروش ۷۴۰ میلیون تومانی را در ایران تجربه می‌کند که این مبلغ با توجه به هزینه تولید، قیمت بلیت و میزان فروش، این اثر سینمایی را به پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران بدل می‌کند، انگارهایی مانند حمایت صد در صدی دولت، نبود سرگرمی‌های متنوع در جامعه و سینما به عنوان در دسترس‌ترین کالا برای مردم، در این مهم دخیل بودند. وی می‌افزاید: اما با متر و معیارهای جامعه امروز و هزینه‌های سرسام‌آور تولید، توزیع، اکران، تبلیغات و کیفیت متفاوت سالن‌های سینمایی و در دسترس بودن کالاها و اسباب‌های سرگرم‌ساز متنوع از یک سو؛ و از سوی دیگر میانگین نرخ رشد تورم ۱۲ درصدی چهار سال اخیر در قیاس با نرخ میانگین تورم شش درصدی سال‌های میانه دهه ۶۰ و نرخ میانگین هشت دهم درصدی (۰٫۸ درصدی) دهه ۵۰ خورشیدی مسلم است که دستیابی به رشدی همگن با نرخ تورم و متناسب با رشد قیمت بلیت‌های سینما به بستری مستمر و ترازوی متعادل آن هم در بازه زمانی حادقل یک دهه‌ای نیازمندیم. خوشبختانه با آغاز روزها و سال‌های پسا برجام و تجربه دولت یازدهم و استعمران آن در دولت دوازدهم، کشتی سینمای ایران می‌تواند با عبور از توفان‌های سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، خود را برای پهلو گرفتن در اسکله آرام رشد اقتصادی متوازن آماده کند و توانایی‌هایش را در تاثیرگذاری هر چه بیشتر در رشد کلان اقتصاد هنر در جامعه به رخ بکشد.